

**جهت تهیه این کتاب می‌توانید با شماره
تلفن‌های ذیل تماس حاصل نمایید.**

۰۲۵-۳۷۷۴۹۲۷۴

۰۹۱۲۶۵۲۵۰۷۰

**همچنین می‌توانید در شبکه‌های
اجتماعی ایتا و تلگرام با شماره فوق
سفارش خود را ثبت فرمایید.**

■ کانال ایتا: nashrehoghoghepoya

■ کانال تلگرام: hoghoghepoyapub

■ کانال پیام رسان بله: pooya_law

■ کانال پیام رسان سروش: pooyalaw

■ فروشگاه اینترنتی: www.hpbook.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مباحث کاربردی رسیدگی به دعاوی خانواده جلد اول: نفقه

مجید عطایی جنتی (قاضی دادگستری)

طیبه ابراهیمی (قاضی دادگستری)

لیلی رفیعیان (قاضی دادگستری و مدرس دانشگاه)

نشر حقوق پویا

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات	۷
تعریف نفقه	۸
تعریف فقهی نفقه	۸
تعریف حقوقی	۹
۱-۱ مبانی فقهی و ماهیت حقوقی نفقه	۱۱
اسباب نفقه	۱۵
زوجیت:	۱۵
قربانیت:	۳۳
فصل دوم: رسیدگی شکلی به دعوای نفقه	۳۹
۱-۲: شرایط دادخواست	۴۱
شرایط عمومی دادخواست	۴۱
شرایط فاقد ضمانت اجرا	۴۳
شرایط با ضمانت اجرای رد فوری دادخواست	۴۴
شرایط موجب توقیف دادخواست و صدور اخطار رفع نقص	۴۵
شرایط اختصاصی دادخواست	۴۶
۲-۲- مالی یا غیرمالی بودن دعوای مطالبه نفقه	۵۳
۳-۲- هزینه دادرسی	۵۶
۴-۲- صلاحیت	۵۷
صلاحیت ذاتی	۵۸
۵-۲- ارکان دعوای نفقه	۶۸
۶-۲- اقدامات احتیاطی در دعوی مطالبه نفقه	۷۷

فصل سوم: رسیدگی ماهوی به دعاوی نفقه ۸۵

۳-۱- مصادیق نفقه: ۸۷

نفقه زوجه: ۸۷

نفقه اقارب ۹۴

نفقه و حضانت ۱۰۲

۳-۲- شرایط تعلق نفقه ۱۳۷

شرایط تعلق نفقه زوجه ۱۳۷

در دوران نامزدی: ۱۳۷

در دوران زوجیت: ۱۴۳

شرایط تعلق نفقه اقارب ۱۵۸

۳-۳- موارد سقوط نفقه ۱۷۲

سقوط نفقه زوجه ۱۷۲

سقوط نفقه اقارب: ۱۷۳

۳-۴- میزان نفقه ۱۷۴

۳-۵- ضمانت اجرای تخلف از پرداخت نفقه ۱۸۱

زوجه ۱۸۱

اقارب ۱۸۴

فصل چهارم: مواد قانونی مرتبط با نفقه ۱۸۷

۴-۱- قانون مدنی ۱۸۸

۴-۲- قانون حمایت خانواده ۱۹۱

۴-۳- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست ۱۹۴

۴-۴- قانون شوراهای حل اختلاف (مصوب ۹۴/۸/۱۰) ۱۹۴

۴-۵- قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ۱۹۵

فصل پنجم: نظریات مشورتی مرتبط با نفقه ۱۹۷

نظریه ۷/۵۹۴۶ - ۱۳۷۹/۶/۱۶ ۱۹۸

نظریه ۷/۱۹۷۸ - ۱۳۸۰/۸/۲ ۱۹۸

نظریه ۷/۲۱۴۸ - ۱۳۶۶/۶/۸ ۱۹۸

نظریه ۷/۱۲۶ - ۱۳۷۶/۶/۲۸ ۱۹۸

نظریه ۷/۳۸۳۸ - ۱۳۷۸/۱۰/۱۳ ۱۹۹

نظریه ۱۳۷۹/۱/۱۷ - ۷/۱۳۹	۱۹۹
نظریه شماره ۱۳۹۵/۱/۸ - ۷/۵۵/۱۲	۱۹۹
نظریه شماره ۹۲/۸/۵ - ۱۴۵۷/۹۲/۷	۲۰۰
نظریه شماره ۹۲/۶/۳۰ - ۱۲۶۱/۹۲/۷	۲۰۰
نظریه شماره ۹۲/۶/۳۱ - ۱۲۷۳/۹۲/۷	۲۰۱
نظریه شماره ۵۲۰۱/۷ مورخ ۱۳۷۲/۹/۱	۲۰۱
نظریه ۱۳۷۷/۹/۱۷ - ۷/۶۶۴۳	۲۰۱
نظریه ۱۳۹۱/۷/۱۸ - ۷/۱۴۸۸	۲۰۲
شماره نظریه؛ ۱۹۳/۹۸/۷ - ۱۲/۶/۱۳۹۸	۲۰۲
شماره نظریه: ۱۳۹۹/۰۱/۲۳ - ۱۹۶۹/۹۸/۷	۲۰۳
شماره نظریه: ۱۳۹۹/۰۷/۰۸ - ۹۵۱/۹۹/۷	۲۰۴
شماره نظریه: ۱۳۹۹/۲/۶ - ۱۷۰۷/۹۸/۷	۲۰۵
شماره نظریه: ۱۳۹۹/۶/۱۵ - ۷۰۸/۹۹/۷	۲۰۵
شماره نظریه: ۱۳۹۹/۶/۱۵ - ۷۰۸/۹۹/۷	۲۰۶
فصل ششم: نمونه آرای قضایی در باب نفقه	۲۰۹
منابع	۲۴۰

زوجه می‌تواند برای مطالبه نفقه معوقه خود که استحقاق دریافت آن را دارد و زوج از پرداخت آن خودداری می‌نماید، دادخواستی به خواسته مطالبه نفقه به دادگاه خانواده تقدیم و مدارک لازم جهت اقامه دعوا از قبیل:

۱. برگ احراز هویت (شناسنامه و کارت ملی)

۲. برگ احراز رابطه زوجیت (سند نکاحیه)

۳. مدارک دلایل

را پیوست نموده و با مقروم نمودن خواسته، خود و پرداخت هزینه دادرسی خواسته مطالبه نفقه را مطرح و پس از ارجاع به شعبه و گواهی تکمیلی، آن را به نظر قاضی محکمه رسانده تا دستور وقت رسیدگی تعیین و با ارسال نسخه دوم دادخواست و پیوست‌ها جهت خوانده (زوج) طرفین دعوت می‌شوند، که در آینده به شرایط دادخواست و هزینه دادرسی و... به صورت مفصل اشاره می‌شود. حال چنانچه در جلسه رسیدگی طرفین حاضر باشند:

الف. دادگاه سعی در ایجاد صلح و سازش می‌نماید و طرفین هم به صلح و سازش می‌رسند که در این حالت دو فرض تصور می‌شود:

۱. سازش، مقید به انجام شرط یا تعهدی باشد؛ دادگاه با درخواست زوجین و درج موارد سازش با تنظیم گزارش اصلاحی پرونده را مختومه می‌نماید.

۲. سازش، مقید به انجام شرط یا تعهدی نباشد؛ با استرداد دعوی از ناحیه زوجه قرار رد یا ابطال دعوی صادر می‌نماید.

ب. دادگاه سعی در ایجاد صلح و سازش می‌نماید؛ اما صلح و سازش انجام نمی‌گردد که در این حالت ۳ فرض تصور می‌شود:

۱. زوجین هر دو در یک منزل با یکدیگر زندگی مشترک دارند؛ در این صورت فرض بر این است که زوج نفقه را پرداخته و این زوجه است که باید ثابت کند با وجود حضور زوج، وی نفقه را پرداخت نمی‌کند و اگر نتواند این موضوع را ثابت کند، قول مرد با اتیان سوگند مقدم می‌شود. از جمله دلایلی که زوجه برای اثبات

می تواند به آن استناد کند گواهی گواهان است که برای مثال: شهادت بدهند که این خانم کارمند و همسر ایشان بی کار بوده و در آمدی ندارد و مخارج زندگی توسط زوجه تأمین می شود.

۲. زوج، خانه را ترک نموده و زوجه در منزل مشترک زندگی می کند؛ در این فرض قول زوجه مقدم بوده و این زوج است که باید ثابت کند که با وجود ترک منزل، نفقه همسر خود را ماهیانه طی حواله هایی که ارائه می نماید پرداخت کرده است.

۳. حالتی است که زوجه خانه را ترک نموده در نتیجه از آن جایی که مطالبه نفقه منوط بر تمکین است بنابراین زوجه باید ثابت کند که در ترک منزل مجبور بوده؛ مانند: زوج بیماری مسری داشته و او نمی توانسته در آن خانه با همسرش زندگی کند.

در هر صورت چنانچه با اقرار خوانده و یا تحقیقات، دادگاه استحقاق دریافت نفقه را دریابد؛ در این صورت برای تعیین میزان آن و یا کمیت آن قرار ارجاع امر به کارشناس صادر و با کسب نظر کارشناس و ابلاغ به طرفین مبادرت به صدور رأی می نماید.

۲-۱: شرایط دادخواست

شرایط عمومی دادخواست

به موجب ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی شروع رسیدگی در دادگاه، نیازمند تقدیم دادخواست می باشد.

به وسیله دادخواست، کسی که دادخواهی می کند (خواهان) طرف خود را به دادرسی می خواند (خوانده) یعنی او را به دادگاه دعوت می کند تا با حضور طرفین ترافع و احقاق حق به عمل آید.^۱

۱. احمد متین دفتری، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی ج ۲، ۲، انتشارات رهام ۱۳۴۲، ص ۵۹

دادخواست در قانون آیین دادرسی مدنی سندی است که به موجب آن از دادگاه، دادخواهی می‌شود و در عرف قضایی، دادخواست به ورقه مخصوصی گفته می‌شود، که دادخواهی خواهان در آن نوشته می‌شود. شرایط دادخواست در ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است.^۱ دادخواست باید به زبان فارسی بر روی برگه‌های چاپی مخصوص نوشته شود و باید دارای نکات مندرج در ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی باشد. بررسی دادخواست از لحاظ شرایطی که قانون برای آن مقرر نموده وظیفه مدیر دفتر است اما این امر نافی در وظیفه قاضی دادگاه نیست؛ چراکه بعد از تکمیل پرونده قاضی دادگاه است که باید دستور تعیین وقت صادر نماید؛ بنابراین قاضی دادگاه نیز باید دادخواست را کامل و این امر مستلزم احاطه در ظرافت‌های مربوط به شرایط دادخواست است که به درآینده به آنها اشاره می‌شود.^۲ طبق ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی می‌توان شرایط دادخواست را با در نظر گرفتن ضمانت اجرای آن، به سه دسته تقسیم نمود:

الف. شرایط فاقد ضمانت اجرا

ب. شرایط با ضمانت اجرای رد فوری دادخواست

ج. شرایط موجب توقیف دادخواست و صدور اخطار رفع نقص

۱. دادخواست باید به زبان فارسی در روی برگه‌های چاپی مخصوص نوشته شده و حاوی نکات زیر باشد:
۱. نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، اقامتگاه و حتی‌الامکان شغل خواهان. تبصره: در صورتی که دادخواست توسط وکیل تقدیم شود مشخصات وکیل نیز باید درج شود؛
۲. نام، نام خانوادگی، اقامتگاه و شغل خوانده؛
۳. تعیین خواسته و بهای آن، مگر آنکه تعیین بها ممکن نبوده و یا خواسته مالی نباشد؛
۴. تعهدات و جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق مطالبه می‌داند به‌طوری که مقصود واضح و روشن باشد؛
۵. آنچه که خواهان از دادگاه درخواست دارد.
۶. ذکر ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد؛ از اسناد و نوشته‌جات و اطلاع مطلعین و غیره. ادله مشبته به ترتیب و واضح نوشته می‌شود و اگر دلیل، گواهی گواه باشد، خواهان باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنان را به‌طور صحیح معین کند؛
۷. امضای دادخواست‌دهنده و در صورت عجز از امضا، اثر انگشت او .
۲. علی‌مهاجری، آیین قضاوت مدنی در محاکم ایران، ص ۴۵

شرایط فاقد ضمانت اجرا

۱. طبق ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی دادخواست باید بر روی برگ‌های چاپی مخصوص نوشته شود.

هیچ‌یک از مواد قانونی ضمانت اجرایی برای آن پیش‌بینی نکرده است. محکمه عالی انتظامی قضات نیز پذیرفتن و به‌جریان انداختن عرض حالی که در اوراق غیررسمی تنظیم شده را تخلف اعلام نموده است.^۱

به هر حال اگر چنین برگی به هر حال در دفتر ثبت دادخواست ثبت شده، هر چند تخلف اداری است؛ اما مقام ارجاع مکلف به ارجاع است. بعد از آن صرفاً می‌توان به دفتر دستور داد که به تقدیم‌کننده دادخواست اخطار نماید که دادخواستی مطابق شرایط قانونی ارائه نماید و این برگ هیچ‌یک از آثار قانونی دادخواست را ندارد.

طبق ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی، دادخواست باید به زبان فارسی نوشته شود؛ در این خصوص نیز نباید این برگ ثبت شود و چنانچه ثبت شد، تخلف بوده و مانند مورد اول باید دستور داد.

طبق بند ۷ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی، دادخواست باید حاوی امضای دادخواست‌دهنده باشد؛ در صورت فقدان امضا یا اثر انگشت مانند مورد قبل باید رفتار کرد؛ لکن اگر برگ دادخواست بدون امضا ثبت شد، چنانچه با اخطار استحضاری دفتر، برگ دادخواست امضا شود، آثار دادخواست را از زمان تقدیم دادخواست خواهد داشت.

در هر حال اخطار رفع نقص و همچنین قرار رد دادخواست به علت امضانداشتن دادخواست، قانونی نیست.^۲

۱. حکم شماره ۳۸۰۰-۲۹ شهریور ۱۳۰۶ م.ع.ا.ق. موسی، شهیدی، موازین قضایی (حقوقی-جزایی-اداری)

محکمه عالی انتظامی از نظر تخلف اداری، چ ۳، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۴، ش ۳۸۰، صفحه ۱۸۱.

۲. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، چ ۲۱، ج ۲، دراک ۱۳۸۸، صفحه ۲۵.

شرایط با ضمانت اجرای رد فوری دادخواست

طبق ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی، چنانچه دادخواست این شرایط را نداشته باشد، مدیر دفتر بدون اخطار به خواهان، دادخواست را رد می‌کند.^۱

در ماده ۵۶ موارد مذکور در بند یک ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی ذکر شده است.

در دادخواست باید خواهان و محل اقامت آن معلوم باشد. مشخصات خواهان باید ذکر شود؛ زیرا خوانده باید از مشخصات خواهان مطلع باشد تا دفاع لازم را آماده کند. این مشخصات باید طبق شناسنامه خواهان باشد.

چنانچه دادخواست توسط وکیل تنظیم شود، باید مشخصات وکیل نیز ذکر شود.^۲ ممکن است این سؤال پیش آید که آیا قاضی ملزم است بررسی کند که در دادخواست به اقامتگاه واقعی خواهان یا خوانده اشاره شده است یا خیر؟ به عبارت دیگر اقامتگاه اعلامی خواهان اقامتگاه مذکور در ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی است یا خیر؟ یا اینکه سهولت در امر ابلاغ کفایت می‌کند؟ در پاسخ باید گفت مرحوم متین دفتری در کتاب خود اشاره نموده‌اند که تنها سهولت در امر ابلاغ کفایت می‌کند؛ یعنی آدرسی که موجب سهولت در ابلاغ باشد، کافی است.^۳ در تبصره ماده ۶۸ قانون مذکور نیز قرینه‌ای بر این وجود دارد که اقامتگاه قانونی ملاک نیست؛ زیرا گفته شده ابلاغ در محل سکونت یا محل کار به عمل می‌آید.

هرگاه در دادخواست، خواهان یا محل اقامت او معلوم نباشد، ظرف دو روز از تاریخ رسید دادخواست به موجب قراری که مدیر دفتر دادگاه و در غیبت مشارالیه جانشین او صادر می‌کند، دادخواست رد می‌شود.

۱. ماده ۵۶ - هرگاه در دادخواست، خواهان یا محل اقامت او معلوم نباشد ظرف دو روز از تاریخ رسید دادخواست به موجب قراری که مدیر دفتر دادگاه و در غیبت مشارالیه جانشین او صادر می‌کند، دادخواست رد می‌شود.

۲. تبصره بند ۱ ماده ۵۱ ق. آ. د. م.

۳. علی مهاجری، آیین قضاوت مدنی در محاکم ایران، ص ۴۵.

از طریق وحدت ملاک مواد ۳۴۳ و ۳۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار رد دادخواست دفتر به دیوار الصاق شود و مدعی می‌تواند ظرف ده‌روز از الصاق قرار به دادگاهی که دادخواست به آنجا داده‌شده شکایت نماید. دراین‌صورت دادگاه رسیدگی، قرار مدیر دفتر را تأیید یا فسخ نموده و در صورت اخیر دستور تشریفات قانونی را صادر می‌نماید.

طبق ماده ۵۶ این قرار ظرف دو روز از تاریخ رسید، دادخواست صادر می‌شود. چنانچه ظرف دو روز تکمیل شد اگر نقص دیگری نداشته باشد به جریان می‌افتد.

شرایط موجب توقیف دادخواست و صدور اخطار رفع نقص

شرط‌های دیگری درخصوص دادخواست وجود دارد که در بندهای ۲ تا ۶ ماده ۵۱ و مواد ۵۷ الی ۶۰ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است. در صورتی که دادخواست، هریک از این شرایط را نداشته باشد، دفتر دادگاه باید دادخواست را متوقف نماید و به دادخواست‌دهنده اخطار رفع نقص می‌کند و چنانچه در مهلت مقرر نسبت به رفع آن اقدام نکرده، قرار رد دادخواست توسط مدیر دفتر دادگاه صادر و ابلاغ می‌شود. در صورت رفع نقص، دادخواست از همان ابتدا (تاریخ تقدیم) تمام آثار خود را خواهد داشت.

این شرایط عبارتند از:

طبق بند ۲ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی، نام و نام خانوادگی، اقامتگاه و شغل خوانده باید نوشته شود.

تعیین خواسته و مبانی آن از دیگر شرایط دادخواست است؛ خواسته باید به‌طور دقیق مشخص شود و دادگاه به تمام خواسته‌ها توجه نماید و نسبت به آن نفیاً یا اثباتاً تصمیم‌گیری کند.

بهای خواسته به موجب ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی از نظر هزینه دادرسی و امکان تجدیدنظرخواهی خواهان، مبلغی است که در دادخواست قید شده است؛ مگر اینکه قانون، ترتیب دیگری تعیین کرده باشد. اگر خواسته پول رایج ایران باشد،

بهای آن عبارت است از مبلغ مورد مطالبه و اگر پول خارجی باشد، ارزیابی آن به نرخ رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ تقدیم دادخواست، بهای خواسته محسوب می‌شود. (بند ۱ ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی).

طبق بند ۵ ماده ۵۱ این قانون چون خواسته و بهای آن در بند ۳ ماده مزبور پیش‌بینی شده است منظور آن درخواست‌هایی است که خواسته شمرده نمی‌شود؛ بنابراین هزینه دادرسی، حق الوکاله و سایر خسارات از قبیل تأخیر تأدیه و... مستلزم درخواست می‌باشد و در عین حال به خواسته اضافه نمی‌شود تا ملاک محاسبه هزینه دادرسی قرار گیرد. درخواست‌های دستور موقت و تأمین دلیل هم از این نوع است. ادله و وسایل اثبات دعوی؛ به سبب بند ۶ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی، مدعی باید تمام ادله و وسایلی را که برای اثبات ادعای خود دارد، از قبیل اسناد و نوشته‌جات و اطلاع مطلعین و غیره در دادخواست بنویسد. خواهان باید تمام ادله و دلایلی را که اگر می‌خواهد به آن استناد نماید را در قسمت مربوط دادخواست به شیوه روشن بنویسد و اگر دلیل او گواهی گواهان است باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنان را به طور صریح و روشن بنویسد که ابلاغ به آن‌ها به آسانی ممکن باشد.

شرایط اختصاصی دادخواست

در خصوص هر دعوی حقوقی از جمله دعاوی نفقه، خواهان می‌تواند قبل از تقدیم دادخواست، نسبت به ارسال اظهارنامه اقدام نماید. اظهارنامه فرم مخصوصی است که در آن مشخصات و اقامتگاه اظهارکننده موضوع اظهارنامه و مشخصات و اقامتگاه مخاطب در آن درج شده است. اظهارکننده، اظهارات خود را در سمت راست می‌نویسد و واحد ابلاغ آن را ابلاغ می‌کند و مخاطب پاسخ خود را سمت چپ آن نوشته و آن را به اظهارکننده ابلاغ می‌نماید.

در دعوی نفقه نیز در آغاز و قبل از شروع دعوی می‌توان از راه اظهارنامه اقدام

کرد.

نمونه اظهارنامه نفقه

اظهارنامه شماره ثبت اظهارنامه: تاریخ ثبت:		
موضوع اظهارنامه: مطالبه نفقه		
مشخصات و اقامتگاه مخاطب: فرزند - ۲۸ ساله - شغل به آدرس	مشخصات و اقامتگاه اظهار کننده: فرزند - ۲۵ ساله - خانه دار به آدرس	
پاسخ مخاطب: امضاء	شرح اظهارات: جناب آقای، اینجانب به مدت حدود شش سال است، برابر سند نکاحیه شماره... با شما ازدواج نموده‌ام و وظایف زناشویی خود را طبق قانون انجام داده‌ام و از تاریخ ۹۶/۳/۱۵ اینجانب را بابت تکلیف رها نموده‌اید و مخارج بنده را از این تاریخ تاکنون والدین بنده متحمل شده‌اند. تقاضا دارم زندگی در شأن اینجانب فراهم نموده تا در کنار هم زندگی کنیم. ضمن اینکه وسایل زندگی مرا به منزل پدرم برده‌اید و من را از منزل بیرون کرده‌اید و هیچ مخارجی به عنوان نفقه اینجانب پرداخت نکرده‌اید. امضاء	
محل ابلاغ به مخاطب:		

در دادخواست نفقه زوجه در قسمت خواهان باید نام و نام خانوادگی زوجه و مشخصات زوجه از قبیل نام پدر و شغل و محل اقامت نامبرده ذکر گردد و در قسمت خوانده نیز نام و نام خانوادگی و مشخصات نیز به شرح مذکور نوشته شود. چنانچه هریک از طرفین، وکیل یا نماینده قانونی دارند، باید در قسمت مربوطه در دادخواست، قید شود.

در قیمت خواسته و بهای آن، زوجه باید ادعای مطالبه نفقه با قید تاریخی که زوجه ادعا دارد نفقه را دریافت نکرده است را ذکر نماید و این خواسته و مدت زمان مذکور آن که آیا در این تاریخ نفقه به زوجه تعلق می گیرد یا خیر؟ و اینکه آیا شرایط نفقه فراهم است یا خیر توسط دادگاه بررسی می شود. بهای نفقه را می تواند مبلغ معینی ذکر نماید یا اینکه طبق کارشناسی مطالبه کند.

در قسمت دلایل و منضمات دادخواست، زوجه هر دلیلی را که برای اثبات دعوی لازم می داند ذکر می کند. این دلایل می تواند شامل ۱. سند ازدواج برای احراز رابطه ای زوجیت ۲. اظهارنامه؛ چنانچه زوجه ابتدا با اظهارنامه تقاضای نفقه کرده باشد و هر دلیلی که به زوجه جهت اثبات عدم پرداخت نفقه از سوی زوج کمک می کند، باشد و نیز می تواند شهادت شهود باشد.

در عقد دائم، نفقه زن برعهده شوهر است؛ بنابراین در عقد دائم کپی سند ازدواج دائم لازم است.

در خصوص عقد انقطاع، زوجه باید دلایل خود را درمورد اینکه پرداخت نفقه شرط شده است یا عقد مبنی بر آن جاری شده است را ارائه نماید.

در قسمت شرح دادخواست نفقه، زوجه به عنوان مثال چنین می تواند نگارش نماید: برابر سند رسمی نکاحیه مدت... زمان با خوانده ازدواج کرده است و با وجود اینکه وظایف قانونی خود را در برابر زوج انجام داده است، لکن زوج، نامبرده را به منزل پدری اش برده است و در آنجا بلا تکلیف و بدون نفقه و پرداخت هزینه زندگی

رها کرده است و مخارج نامبرده را والدین نامبرده از تاریخ مذکور متحمل شده‌اند و زوج هیچ اقدامی جهت پرداخت نفقه انجام نداده است.

در پایان دادخواست، زوج یا وکیل نامبرده آن را امضا می‌کند و چنانچه وکیل دادخواست را تقدیم دادگاه نماید، در نهایت باید خودش نیز آن را امضا کند. بعد از اینکه دادخواست به صورت کامل تنظیم و به قاضی دادگاه ارجاع شد، قاضی شعبه دستور ثبت و تعیین وقت رسیدگی و دعوت طرفین را به دفتر خواهد داد.^۱

در خصوص نفقه اقارب نیز به همین شرح گفته شده اقدام می‌شود؛ با این تفاوت که اقارب نمی‌توانند نفقه ایام گذشته را مطالبه نمایند و لزوماً باید از تاریخ تقدیم دادخواست مطالبه نمایند.

۱. ماده ۶۴ - مدیر دفتر دادگاه باید پس از تکمیل پرونده، آن را فوراً در اختیار دادگاه قرار دهد. دادگاه پرونده را ملاحظه و در صورتی که کامل باشد پرونده را با صدور دستور تعیین وقت به دفتر اعاده می‌نماید تا وقت دادرسی (ساعت و روز و ماه و سال) را تعیین و دستور ابلاغ دادخواست را صادر نماید. وقت جلسه باید طوری معین شود که فاصله بین ابلاغ وقت به اصحاب دعوا و روز جلسه کمتر از پنج روز نباشد. در مواردی که نشانی طرفین دعوا یا یکی از آنها در خارج از کشور باشد فاصله بین ابلاغ وقت و روز جلسه کمتر از دو ماه نخواهد بود.

نمونه دادخواست



دادخواست به دادگاه نخستین تاریخ:.....

(برگ اول) شماره:.....

شهرستان

بخش

دهستان

کلاس پرونده:.....

دادگستری کل استان:.....

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	سن	شغل	کد ملی/تلفن همراه	محل اقامت خیابان - کوچه - پلاک - کد پستی
خواهان							نشانی:
							نشانی پست الکترونیک:
وکیل یا نماینده قانونی					سمت	شماره پروانه	نشانی:
							نشانی پست الکترونیک:
خوانده							نشانی:
خواسته و بهای آن							
دلایل و منضمات دادخواست							
شرح دادخواست			ریاست محترم دادگاه				

برگ دوم		
دارد/ندارد		
نقش تمبر یا شناسه پرداخت	محل امضا/مهر/اثر انگشت	
	ریاست محترم شعبه دادگاه..... رسیدگی فرماید نام و نام خانوادگی ارجاع کننده..... تاریخ امضا	شماره رایانه(ثبت کل): تاریخ تقدیم دادخواست:

ریاست محترم دادگاه: دادخواست تکمیل است.
 نام و نام خانوادگی مدیر دفتر:

 تاریخ..... امضا

روز ماه سال ساعت

محل دستور دادگاه:	وقت	رسیدگی			
		نظارت			
نام و نام خانوادگی، سمت و امضای اقدام کننده:					
اقدامات:					
نام و نام خانوادگی:					
تاریخ:.....					
امضا					

محل دستور دادگاه (در صورت وجود نقض دادخواست):
نام و نام خانوادگی:
تاریخ:..... امضا

در صفحه دیگر دادخواست مطالب زیر درج شده است:

ماده ۵۷: خواهان باید رونوشت یا تصویر اسناد خود را پیوست دادخواست نماید.

رونوشت یا تصویر باید خوانا و مطابقت آن با اصل گواهی شده باشد.

ماده ۶۰: دادخواست و کلیه برگ های پیوست آن باید در دو نسخه و در صورت

تعدد خواننده به تعداد آن ها به علاوه یک نسخه تقدیم دادگاه شود.

ماده ۹۶: خواهان باید اصل اسنادی که رونوشت آن ها را ضمیمه دادخواست

کرده است، در جلسه دادرسی حاضر نماید؛ خواننده نیز باید اصل و رونوشت اسنادی

را که می‌خواهد به آن‌ها استناد نماید، در جلسه دادرسی حاضر نماید. رونوشت اسناد خوانده باید به تعداد خواهان به علاوه یک نسخه باشد.

به منظور تسریع در رسیدگی، رعایت موارد زیر ضروری است:

۱. چنانچه دعوای دیگر که ارتباط کامل با دعوای فعلی دارد و در این دادگاه یا شعب دیگر مطرح است، با توصیف موضوع دعوی، کلاسه پرونده و مرجع رسیدگی دادگاه را پیش‌تر آماده نمایید.
۲. اوراق اختاریه و ضمائم آن در محلی که در دادخواست تعیین شده ابلاغ می‌گردد، در صورت تغییر نشانی فوراً محل جدید و مشخصات صحیح را به دفتر دادگاه اطلاع دهید.

۲-۲- مالی یا غیرمالی بودن دعوای مطالبه نفقه

یکی از مباحث کاربردی در دعوای مطالبه نفقه (اعم از نفقه زوجه و اقارب) تشخیص مالی یا غیرمالی بودن دعواست؛ در همین راستا و برای مقدمه نکاتی در خصوص تشخیص دعوای مالی و غیرمالی به اختصار بیان می‌کنیم: قانون‌گذار در مقررات آیین دادرسی مدنی تعریفی از دعوایی مالی و غیرمالی مطرح نکرده است؛ ولی با اشاره به برخی از دعوای، آثار متمایزی را از جمله در کیفیت تقدیم دادخواست، هزینه دادرسی و قابلیت اعتراض پیرامون دعوای مزبور بیان نموده است؛ بنابراین در آغاز امر، ضرورت دارد برای شناخت و تمایز دعوایی مالی و غیرمالی با استفاده از مجموع نظریه‌های حقوق دانان، تعریفی ارائه نماییم. آنچه از مقررات آیین دادرسی مدنی مستفاد می‌گردد و بررسی در دکتترین حقوقی، ما را رهنمون می‌سازد، این است که دعوای مالی دعوایی است که در ابتدا و صرفاً برای جنبه مالی موضوع خواسته باشد که دارای ارزش اقتصادی بوده و قابلیت تقویم (اگرچه پس از انجام کارشناسی) به پول یا مال را داشته باشد، بنابراین در صورتی که موضوع یا حق مورد نزاع، مال بوده یا از حقوق مالی باشد و قابل تقویم به پول باشد،

دعای مالی محسوب می‌گردد و در صورتی که اصل خواسته در آغاز وبه‌خودی خود جنبه اقتصادی نداشته و معطوف به تعهدات و تکالیف عاطفی و اخلاقی و اجتماعی انسان باشد، آثار طبیعی و ثانویه اقتصادی نیز بر آن قابل ترتب باشد، دعوی غیرمالی به‌شمار می‌آید؛ با وجود تعریف نوشته شده و تعریف های مشابه، تشخیص نوع دعوا از جهت مالی یا غیرمالی بودن، کار ساده‌ای نیست؛ چه اینکه اختلاف نظر شدید حقوق‌دانان در پاره‌ای از موضوعات و صدور آرای وحدت رویه که برخی با مصلحت‌اندیشی و برخلاف قاعده صادر شده است با وجود تعریف مزبور از دعوی مالی و غیرمالی و نیز تعاریف مشابه باید به این نکته اشاره شود که تشخیص نوع دعوا از جهت مالی یا غیرمالی بودن، موضوع پیچیده‌ای است؛ چرا که خلاء قانونی و عدم تصریح قانون‌گذار اعم از دادن سازوکار و تعریف عام الشمول یا تصریح نوع دعاوی، زمینه اختلاف نظر حقوق‌دانان در پاره‌ای از موضوعات پدید آمده است به‌ویژه آنکه صدور آرای وحدت رویه در برخی از دعاوی که با مصلحت‌اندیشی و برخلاف قاعده صادر گردیده است به این اختلافات دامن زده است؛ با این وجود خوشبختانه درخصوص مالی یا غیرمالی بودن دعوی نفقه اعم از نفقه زوجه و اقارب در رویه قضایی و دکتین حقوقی، اختلاف نظری دیده نمی‌شود و با توجه به اینکه موضوع حق تضييع یا انکار شده (خواسته) در اصل، امری اقتصادی و قابل تقویم و ارزیابی است، مالی محسوب شده و آثار دعاوی مالی بر آن باز می‌گردد؛ بر همین اساس خواهان دعوی نفقه می‌بایست علاوه بر عقل و بلوغ، صفت دیگر (رشد) را نیز دارا باشد و در تقویم خواسته و ابطال تمبر دادرسی یا پرداخت هزینه اجرایی، ملاحظات لازم را به‌عنوان دعوی مالی در نظر بگیرد و قابلیت اعتراض نیز در دعاوی نفقه مشخص گردد. از این‌رو میزان تقویم و ارزیابی مطروحه از ناحیه خواهان که مورد تأیید کارشناس رسمی دادگستری قرار می‌گیرد، در موضوع مؤثر می‌باشد.

موضوع: تعیین و مطالبه نفقه

سؤال^۱: دادخواست تعیین نفقه مالی است یا غیر مالی؟ در صلاحیت شورا است یا دادگاه؟ در صورتی که در صلاحیت دادگاه باشد، اگر خواهان تعیین آن را رای گرفته و در مرحله ی عالی رای قطعی شده باشد، پس از ابلاغ آن مبادرت به تقدیم دادخواست مطالبه ی نفقه را نموده، آیا می تواند از مبلغ تعیین شده افزایش آن را مطالبه نماید یا خوانده کاهش آن را بخواهد؟

نظر هیئت عالی

دعوای تعیین میزان نفقه بر خلاف دعوای (مطالبه نفقه) دعوای غیر مالی و در صلاحیت رسیدگی محاکم عمومی (حقوقی) می باشد، در حالی که دعوی مطالبه نفقه با رعایت نصاب قانونی تا دویست میلیون ریال در صلاحیت شورای حل اختلاف است، هر چند در خصوص میزان نفقه حکم قطعی وجود دارد، لیکن تقاضای افزایش با کاهش میزان نفقه با ادعای تغییر وضعیت اقتصادی و هزینه های معیشتی با قاعده اعتبار امر قضاوت شده تعارضی نداشته و قابلیت استماع و رسیدگی ماهوی دارد.

نظر اکثریت

تعیین نفقه غیر مالی در صلاحیت دادگاه و مطالبه مالی در صورت رسیدن به سقف، در دادگاه و در غیر این صورت در شورا رسیدگی می شود. مطالبه نفقه در صورتی که رای قطعی صادر شده باشد جایگاهی برای کارشناسی مجدد نمی باشد و رسیدگی به آن اعتبار امر مختومه دارد. لذا صرفا وفق نظر پرونده سابق رای صادر می گردد.

۱. برگزار شده توسط استان خراسان رضوی/ شهر سرخس / تاریخ برگزاری ۱۳۹۷/۱۰/۰۳.

نظر ابرازی

اساساً نفقه، اعسار در امور حقوقی را نمی‌توان دارای اعتبار امر مختومه دانست، چرا که خواهان (زوجه) می‌تواند هر زمان با تغییر قیمت‌ها مطالبه‌ی بیشتری نماید، یا در نفقه‌ی اقارب منفق می‌تواند به ملالت خود استناد نماید و هر زمان بگوید شرط نفقه اقارب نیاز منفق له و ملالت منفق است، من تا دیروز ملالت داشتم اما الان ندارم، هرچند رای قطعی علیه من صادر شده باشد. لذا اگر استدلال جدیدی ارائه شد می‌توان آن را پذیرفت و اعتبار امر مختوم ندارد و الا وفق بند ۶ ماده ۸۴ اقدام می‌گردد.

۲-۳- هزینه دادرسی

هزینه دادرسی عبارت است از هزینه‌هایی که بابت صدور حکم یا قرار، به هنگام تقدیم دادخواست از خواهان به صورت ابطال و الصاق تمبر پرداخت می‌کند. ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: هزینه دادرسی عبارت است از ۱. هزینه برگ‌هایی که به دادگاه تقدیم می‌شود؛ ۲. هزینه قرارها و احکام دادگاه. در ماده ۵۰۳ نیز مقنن اشعار داشته، هزینه دادخواست کتبی یا شفاهی اعم از دادخواست بدوی و اعتراض به حکم غیابی و متقابل و ورود و جلب ثالث و دادخواست تجدیدنظر و فرجام و اعاده دادرسی و هزینه‌های وکالت‌نامه و برگ‌های اجرایی و غیره همان است که در ماده ۳ قانون، وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ و یا سایر قوانین تعیین شده است.

مطابق بند ۲ از ماده ۳ قانون مزبور، میزان و کیفیت هزینه دادرسی براساس نوع دعاوی متفاوت می‌باشد. همان‌طور که پیشتر به آن پرداختیم، دعاوی نفقه اعم از نفقه زوجه و اقارب، دعاوی مالی محسوب می‌گردد و هزینه دادرسی براساس قانون فوق الاشعار و مقررات موضوعه از جمله مقررات بودجه سالیانه و بخش‌نامه‌های صادره از ناحیه رییس قوه قضاییه شناور و به صورت درصدی از میزان بهای خواسته تعیین

می‌شود. مطابق شقوق الف و پ بند ۱۲ ماده ۳ قانون، وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، هزینه دادرسی در مرحله بدوی دعوای مالی تا مبلغ دویست میلیون ریال معادل ۲/۵ درصد ارزش خواسته و بیش از دویست میلیون ریال به نسبت مازاد معادل ۳/۵ درصد ارزش خواسته می‌باشد و در مرحله تجدیدنظرخواهی و اعتراض به حکم غیابی، معادل ۴/۵ درصد ارزش محکوم به برای هزینه دادرسی پرداخت می‌گردد. نکته با اهمیت اینکه با وجود لزوم تعیین بهای خواسته در زمان تقدیم دادخواست، محاسبه مبالغ قابل تقویم نفقه (اعم از نفقه زوجه یا اقارب) نیازمند کارشناسی است و عموماً طرفین دعوا درباره میزان آن اختلاف نظر دارند.

با این وصف تکلیف خواهان دعوی نفقه چیست؟

یکی از شرایط ضروری تقدیم دادخواست مطابق بند ۳ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی تعیین خواسته و بهای آن است؛ مگر اینکه تعیین بهای خواسته ممکن نباشد یا خواسته دعوی غیرمالی باشد. در مانحن فیه (دعوی نفقه) که تعیین بهای خواسته در زمان تقدیم دادخواست به جهت ضرورت ارجاع امر به کارشناس دادگستری در مراحل بعدی مقدور نیست، مطابق بند ۱۴ ماده ۳ قانون که پیش‌تر گفته شد، خواهان باید مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال را پرداخت کند و بدیهی است مابه التفاوت آن را در پی ارجاع امر به کارشناس و تعیین میزان ارزش خواسته یا براساس ؟ محکوم به پرداخت می‌نماید.

۲-۴- صلاحیت

نخستین بحث در آیین دادرسی کیفری، مدنی، صلاحیت دادگاه است. صلاحیت، توانایی و الزامی است که مراجع قضایی در رسیدگی به دعوای به موجب قانون دارند.^۱

۱. سید جلال الدین مدنی، آیین دادرسی مدنی، ج ۳، ۳، گنج دانش ۱۳۷۲، ص ۲۸۹.

نوع دادگاه‌ها به عمومی و اختصاصی تقسیم می‌شود و اصل بر صلاحیت مراجع قضایی عمومی است؛ مگر اینکه وفق قانون، مراجع اختصاصی صالح باشند. در این قسمت بحث صلاحیت رسیدگی به دعاوی نفقه را در دو بخش صلاحیت ذاتی و محلی مورد بررسی می‌کنیم.

صلاحیت ذاتی

امروزه تخصصی شدن رسیدگی به دعاوی در دنیا تأیید شده است. رویکرد تخصصی شدن در امر صلاحیت دادگاه‌ها نیز مشاهده می‌شود. از آن جمله تشکیل دادگاه اختصاصی برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی است. قانون‌گذار ایران برای نخستین بار، به اختصاصی کردن دادگاه‌ها در رسیدگی به دعاوی خانوادگی در قانون راجع به ازدواج، مصوب ۱۳۱۰، اصلاحی ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ توجه نمود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۱۲ یعنی تقریباً دو ماه پس از تشکیل دادگاه مدنی خاصی تصویب شد، در اصل بیست و یک، دولت را مکلف کرد، حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اصلاحی تضمین نماید. در این راستا در بند سوم، ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بنای خانواده را از وظایف دولت قرار داده و با این هدف، تشکیل چنین دادگاهی ضمن حفظ کیان و بقای خانواده. با حفظ حمایت از زن نیز صورت می‌گیرد.^۱

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۲۶ که در قالب لایحه‌ای به پیشنهاد قوه قضاییه در جلسه مورخ ۸۶/۴/۳ هیأت وزیران به تصویب رسید و تقدیم مجلس شد، در فصل نخست به دادگاه خانواده اختصاص یافته است.

ماده یک قانون فوق با اشاره به تکلیف قوه قضاییه در تشکیل دادگاه خانواده چنین آورده است: «به منظور رسیدگی به امور و دعاوی خانوادگی، قوه قضاییه

۱. لیلا سادات اسدی، فریده شکری، آیین دادرسی امور و دعاوی خانوادگی، انتشارات جنگل جاودانه، ۱۳۹۳، ص ۵۷.

موظف است ظرف سه سال از تصویب این قانون در کلیه حوزه‌های قضایی شهرستان‌ها به تعداد کافی شعبه خانواده تشکیل دهد. تشکیل این دادگاه در حوزه‌های قضایی بخش به تناسب امکانات به تشخیص رییس قوه قضاییه موکول است.»

تبصره یک این ماده در جهت تعیین تکلیف دادگاه‌ها در نقاطی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است، چنین مقرر داشته است: «از زمان اجرای این قانون در حوزه قضایی شهرستان‌هایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است تا زمان تشکیل آن، دادگاه عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون، به امور و دعوای خانوادگی رسیدگی می‌کند.»

تبصره ۲ نیز در تکمیل تبصره ۱ چنین بیان می‌دارد: «در حوزه قضایی بخش‌هایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است، دادگاه مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به کلیه امور و دعوای خانوادگی رسیدگی می‌کند؛ مگر دعوای راجع به اصل نکاح و انحلال آن که در دادگاه خانواده نزدیک‌ترین حوزه قضایی رسیدگی می‌شود.»

یکی از حوزه‌هایی که همواره بر رسیدگی تخصصی دعوای در آن تأکید شده، امور و دعوای خانوادگی است.

در خصوص جواز رسیدگی به دعوای خانوادگی برای دادگاه‌های عمومی باید قائل به ذاتی بودن صلاحیت دادگاه خانواده نسبت به دادگاه عمومی بود.

مبنای استدلال ذاتی دانستن صلاحیت دادگاه خانواده این است که صدور ماده واحده قانون اختصاصی تعدادی از دادگاه‌های موجود به رأی ماده موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی (دادگاه خانواده) مصوب ۱۳۷۶ پس از تخصیص این شعب، دادگاه‌های عمومی، حق رسیدگی به دعوای مربوط به این دادگاه را نخواهند داشت.

تبصره ۲ ماده ۱ قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱) نیز شبیه همین حکم را بیان داشته است. با این وصف می‌توان گفت صلاحیت دادگاه عمومی نسبت به دادگاه خانواده از نوع ذاتی است.

صلاحیت دادگاه خانواده منحصر به همان موارد هجده گانه مندرج در ماده ۴ این قانون است. در این باره نفقه زوجه و اجرت المثل ایام زوجیت و نفقه اقارب نیز از موارد رسیدگی در صلاحیت دادگاه خانواده ذکر شده است.

در خصوص صلاحیت رسیدگی به دعاوی نفقه چه زوجه و چه اقارب سؤالی مطرح می‌شود که با توجه به اینکه چنانچه خواسته به مبلغ دویست میلیون ریال و یا کمتر باشد، رسیدگی در صلاحیت شورای حل اختلاف است؛ طبق ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف «بند الف و ج» این ماده شورا باید رسیدگی نماید؛ حال سؤال این است که چنانچه خواسته نامعین باشد رسیدگی در صلاحیت شورای حل اختلاف خواهد بود یا دادگاه خانواده؟

در این خصوص اختلاف نظر در رویه قضایی وجود دارد؛ به این صورت که وفق نظر بعضی قضات نظر به اینکه نفقه غالباً زیر مبلغ بیست میلیون است و از باب غلبه چنانچه خواسته ارزیابی نشده باشد، صلاحیت رسیدگی در شورای حل اختلاف است و پس از رسیدگی و کارشناسی چنانچه بالای بیست میلیون تومان شد با عدم صلاحیت، پرونده به دادگاه خانواده ارسال می‌شود و به نظر برخی قاضیان با توجه به اختصاصی بودن صلاحیت دادگاه خانواده و طبق ماده ۴ قانون حمایت خانواده، اصل بر صلاحیت دادگاه خانواده است. بنابراین پرونده در آغاز در محاکم خانواده طرح می‌شود؛ در صورت کارشناسی و کمتر بودن مبلغ خواسته، پرونده به شورای حل اختلاف جهت رسیدگی ارسال خواهد شد.

بعضی اعتقاد دارند باید کارشناسی انجام شده و خواسته مشخص شود و طبق بهای خواسته در دادگاه مربوطه طرح دعوی صورت گیرد.

به نظر برخی از فقها وجوب نفقه علاوه بر دائمی بودن عقد، مشروط به تمکین زوجه می باشد که اثبات آن برعهده وی می باشد و برخی دیگر از فقها معتقدند که به محض وقوع عقد نفقه واجب می شود و نیازی به اثبات تمکین از ناحیه زوجه نیست؛ ولی احراز نافرمانی زن و نشوز وی مانع از صدور رأی به پرداخت نفقه است که به نظر می رسد نظر اخیر در حقوق ایران پذیرفته شده باشد؛ رویه قضایی نیز بر همین مبنا استوار است. به طور خاص با مراجعه در مواد ۱۱۰۶ و ۱۱۰۸ قانون مدنی استنباط می گردد، با تحقق رابطه زوجیت، زن مستحق نفقه شده و نشوز از ناحیه زوجه، مانع استحقاق نفقه است.^۱

بنابراین صرف اثبات نکاح به وسیله زن در دعوی مطالبه نفقه زوجه، کفایت می کند و دادگاه به با احراز این امر حکم به نفع زن صادر می کند؛ مگر اینکه شوهر ثابت کند که زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت خودداری کرده است و درواقع مرد با اثبات عدم تمکین زوجه می تواند از پرداخت نفقه معاف گردد؛ که در مباحث قبل به طور مفصل به این موضوع پرداخته شد.

همان طور که بیان شد، اگر زن بدون مانع مشروع از ادای زوجیت امتناع کند، مانع نفقه خواهد بود؛ یعنی با وجود مانع شرعی و قانونی در عدم تمکین، مانع دریافت نفقه نیست و لذا با وجود عدم تمکین زوجه نیز امکان صدور حکم به پرداخت نفقه می باشد و آن موقعی است که عدم تمکین زوجه، مستند به یکی از عذرهای شرعی یا قانونی باشد. برای نمونه اگر زنی منزل شوهر را ترک کند، مستحق نفقه نیست مگر اینکه احتمال ضرر و زیان شرافتی یا بدنی برای زوجه وجود داشته باشد؛ یا اینکه عدم سکونت در منزل شوهر به دلیل اختیار حق سکونت زوجه باشد؛ یعنی اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد؛ در این راستا قاضی یا دادرس محکمه خانواده برای کشف حقیقت و بررسی ادعای زوجه که مورد دفاع زوج واقع

۱. ناصر کاتوزیان، دوره حقوق مدنی خانواده، ص ۱۷۲ و سید حسن صفائی، اسدالله امامی، حقوق خانواده، ج ۱، چ ۵، سال ۱۳۷۵ (ه ش)، ص ۱۶۲.

شده، هر تحقیقی اعم از استماع شهادت شهود یا تحقیق محلی یا ملاحظه گواهی پزشکی قانونی را انجام دهد و در نهایت پس از اثبات این موضوع که زوج تمکین نموده یا عدم تمکین همراه با موازین شرعی و قانونی بوده، هرگاه لازم باشد، پس از ارجاع امر به کارشناس رسمی دادگستری حکم به پرداخت نفقه صادر می‌نماید.

برای طرح دعوی مطالبه نفقه اقارب که معمولاً از سوی فرزندان مطرح می‌گردد، ارکانی لازم است؛ اولین رکن دعوی، وجود رابطه نسبی است؛ بر همین اساس تصویر مصدق سند سجلی که حکایت از وجود رابطه و قرابت نسبی باشد، پیوست دادخواست می‌شود. نکته قابل تأمل اینکه در صورتی که دعوی از سوی فرزند مطرح گردد، باید وی بالغ و رشید؛ باشد به این معنی که نه تنها به سن بلوغ رسیده باشد، بلکه باید واجد وصف رشد باشد. از این رو براساس قانون رشد متعاملین مصوب ۱۳۱۳ سن ۱۸ سال سن رشد محسوب و فرزندان زیر ۱۸ سال با وجود رسیدن به سن بلوغ، حق اقامه دعوی به صورت مستقل را ندارند؛ مگر اینکه از دادگاه حکم رشد اخذ نمایند و در مواردی که فرزند در حضانت و سرپرستی مادر باشد، مادر می‌تواند علیه پدر یا جد پدری (در صورت فوت پدر و اقامه دعوی علیه جد پدری) اقامه دعوی نماید که در این صورت مدارک شناسایی مادر و فرزندان و همچنین حکم حضانت جهت شروع به رسیدگی دعوی مطالبه نفقه لازم می‌باشد.

دومین رکن دعوی نفقه اقارب آن است که خواهان بایستی عدم استطاعت مالی خود را اثبات نماید که در این خصوص در شرع و قانون برای نفقه فرزندان سن خاصی در نظر گرفته نشده و عرفاً مادامی که اولاد دارای شغل و درآمد مشخص نباشند، پدر نسبت به پرداخت نفقه مسئولیت دارد. البته نفقه دختر و پسر متفاوت است و دختر تا سنی که ازدواج نکرده یا به شرایط استقلال مالی نرسیده، پرداخت همه مخارج و هزینه‌های وی برعهده پدرش است؛ در مورد نفقه پسر نیز برخی معتقدند که به محض رسیدن به سن رشد، پدر تکلیفی ندارد؛ ولی با توجه به وضعیت خاص اجتماعی و اقتصادی اکثریت اقشار جامعه و در شرایط فعلی اقتصادی صرف

حلول سن رشد نمی‌تواند موجب اثبات استقلال و بی‌نیازی مادی فرزند پسر به پدر باشد و به نظر می‌رسد که در دوران سربازی و حتی ورود به مراکز تحصیلی عالی و دانشگاهی هم نیاز به حمایت مالی پدر دارد و با احراز شرایط قانونی، محاکم نفقه‌ای برای آنان در نظر می‌گیرند.

درخصوص سایر اقارب، شهادت شهود یا تحقیق محلی درباره وضعیت معاش فرد و یا استعلام از ارگان‌ها و ادارات و بانک‌ها می‌تواند مستند دعوی قرار گیرد. یکی دیگر از ارکانی که در دعوی مطالبه نفقه اقارب در نظر قرار می‌گیرد، توانگری و تمکن مالی خوانده است که از راه‌های مختلفی از جمله شهادت شهود، تحقیق محلی و استعلام از مراجع اداری و مالی قابل بررسی است. در صورتی که خوانده (منفق) ادعا کند که توانایی پرداخت نفقه را ندارد، می‌تواند همانند اعسار، عدم استطاعت خود را از طریق استشهادیه محلی یا تعرفه شهود و یا هر دلیل و مدرک دیگری به دادگاه اثبات نماید و قاضی نیز می‌تواند از روش تحقیقات لازم برای تشخیص وضعیت مالی وی اقدام کند. میزان نفقه اقارب نیز همانند زوجه، از طریق ارجاع امر به کارشناس با در نظر گرفتن وضعیت مالی خواهان و خوانده تعیین شده حکم صادر می‌شود.

عنوان: اصل استحقاق زوجه بر نفقه

مستندات: مواد ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ قانون مدنی

شماره دادنامه قطعی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۲۰۰۷۲۱

تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۳/۰۴/۲۵

در روابط زوجین، اصل بر استحقاق زوجه بر دریافت نفقه است.

رییس شعبه ۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه سیفی فردین ارزنگی

- موسوی

سؤال: آیا جنین مستحق نفقه است؟

نظر اکثریت

جنین مستحق نفقه است. پس از تولد، طفل از حقوق مدنی از تاریخ جنینی برخوردار می‌شود و قانون‌گذار به این امر تصریح نموده است. موجودی که پس از تولد دارای حقوق مدنی است و لازمه زنده متولد شدن وی نیز برخورداری از حقوق مدنی است و درواقع به نوعی اذن در شیء اذن در لوازم آن است. یکی از لوازم زنده متولد شدن جنین، دریافت نفقه است که مانند نفقه اشخاص واجب‌النفقه می‌بایست پرداخت شود. همچنان که در فقه نیز در مواردی که پدر فوت کند، پدر بزرگ نفقه حمل را می‌بایست بپردازد. بنابراین با تنقیح مناط از آن باید گفت جنین مستحق نفقه است و نپرداختن آن موجب پیگرد کیفری و حقوقی است.

نظر اقلیت

طبق تصریح قانون مدنی، جنین از حقوق مدنی برخوردار است؛ به شرط آنکه زنده متولد شود؛ پس تا تولد وی، حقوقی متصور نیست و اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری نیز ایجاب می‌کند و مسئول نمودن افراد به پرداخت نفقه مستلزم نص صریح است.

نظر هیأت عالی

در فرض اینکه پدر در زمان حمل فوت شود و یا زوجه مطلقه شده و مدت عده نیز سپری شده باشد، به نظر می‌رسد نفقه حمل از ماترک متوفی از جد پدری قابل مطالبه باشد. موضوع واجد وصف کیفری نبوده و از این جهت قابل تعقیب نمی‌باشد.^۱

۱. نشست قضایی شاهرود، مورخ ۹۱/۰۴/۰۴.

سؤال: در صورتی که زوجه حق حبس راجع به مهر خود را با استفاده از ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی اعمال نماید و به لحاظ نپرداختن مهر از شوهرش تمکین نکند، آیا مستحق نفقه ایام مذکور است؟ و آیا شوهر به لحاظ نپرداختن نفقه قابل پیگرد کیفری می باشد؟

نظر اکثریت

به محض ایجاد رابطه زوجیت، زوجه مستحق نفقه می باشد و اعمال حق حبس براساس ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی امتیاز ویژه ای است که قانون برای زوجه قائل شده است که شرط تمکین را پرداخت مهر ذکر کرده و اعمال حق حبس منافاتی با نفقه ندارد و زوجه می تواند مطالبه نفقه خود را نیز از دادگاه بنماید؛ ولی با توجه به نظریه شماره ۷/۳۰۴۹ مورخ ۱۳۶۵/۷/۲۱ و ۷/۳۰۹ مورخ ۱۳۷۶/۶/۱۳ اداره حقوقی چون تعقیب کیفری زوج مستلزم تمکین وی می باشد بنابراین تعقیب کیفری زوج و جاهت قانونی ندارد.

نظر اقلیت

پرداخت مهر از طرف زوج براساس ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، حق مطلق است که در اختیار زوجه می باشد و با عدم پرداخت و (در صورت اعمال حق حبس)، زوجه را از دریافت نفقه محروم نخواهد کرد و در صورت استطاعت زوج برای پرداخت نفقه در هر حال زوج، برابر ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب کیفری است. موضوع: تغییر ماهیت حقوقی نفقه اقارب، به اعتبار تعهد زوج بر پرداخت نفقه گذشته طفل

سؤال^۱: زوج در اثر متارکه ناشی از طلاق موافقت می‌کند تا طفل مشترک که یک ساله است، نزد زوجه نگهداری شود و ضمن توافق مذکور، زوج نیز تعهد نموده است تا نفقه طفل را به زوجه پرداخت نماید. با عنایت به این که حضانت طفل هم حق و هم تکلیف است و با توجه به ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی، چنان چه زوج نفقه طفل را پرداخت نکند و نفقه مذکور مدت مدیدی از ناحیه زوجه مطالبه نگردد، با توجه به عمومات ماده ۱۰ قانون مدنی، آیا زوجه می‌تواند به اعتبار تعهد مذکور محکومیت زوج را به پرداخت نفقه ایام گذشته طفل درخواست کند؟ به عبارت دیگر، آیا به اعتبار تعهد زوج، ماهیت حقوقی نسبت به نفقه اقارب تغییر خواهد کرد؟

نظر هیئت عالی

بر استدلال اکثریت اشکالی وارد نیست و تأیید می‌گردد. در تقویت استدلال اکثریت باید به مفاد و شرایط ملاک مقرر در مواد ۲۶۵، ۳۳۶ و خاصه ماده ۳۰۶ از قانون مدنی نیز توجه داشت.

نظر اتفاقی

نظر اول: اولاً: در فرض سؤال، حضانت طفل تکلیف مادر و پرداخت نفقه جاری طفل برعهده پدر است و با عنایت به این که هنگام متارکه، پدر تعهد نموده است که نفقه طفل را پرداخت کند، لیکن به تعهد خود عمل ننموده و مادر طفل نفقه جاری او را از طرف پدرش پرداخت کرده است و با عنایت به این که تعهد پدر مبنی بر پرداخت نفقه مخالف قانون نمی‌باشد، زیرا که پدر علاوه بر این که براساس قانون تکلیف به انفاق داشته، تعهد به پرداخت نفقه نیز نموده است و این تعهد براساس مواد ۱۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۶۷ قانون مدنی لازم‌الوفا است، در واقع مادر طفل نفقه جاری طفل را از طرف پدر طفل پرداخت نموده و از این حیث پدر طفل به مادر طفل

۱. برگزار شده توسط استان گیلان / شهر رشت / تاریخ برگزاری ۱۳۸۹/۰۳/۰۵.

مدیون می‌باشد و مستفاد از ماده ۱۲۰۵ قانون مدنی، تعهد را می‌توان به معنی اجازه تلقی کرد. مادر طفل می‌تواند مخارجی را که بابت نفقه طفل پرداخت نموده است به عنوان دین پدر طفل از او مطالبه کند. ثانیاً؛ باتوجه به تعهد پدر موضوع از مفاد ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی، منصرف است و موضوع مطالبه نفقه گذشته اقارب نیست و ماهیت نفقه اقارب قابل تغییر نمی‌باشد. نظر دوم: در فرض سؤال، نفقه گذشته طفل قابل مطالبه نیست، زیرا اولاً؛ نفقه اقارب بر ذمه تعلق نمی‌گیرد و نفقه اقارب از باب کمک و مساعدت به آنان است. بنابراین، صرفاً نفقه جاری قابل مطالبه است. ثانیاً؛ با توجه به مواد ۱۲۰۵ و ۱۲۰۶ قانون مدنی، در موارد غیبت یا استنکاف از پرداخت نفقه، چنانچه الزام کسی که پرداخت نفقه برعهده اوست ممکن نباشد، دادگاه با مطالبه افراد واجب‌النفقة می‌تواند به مقدار اموال غایب یا مستنکف در اختیار آنها یا متکفل مخارج آنان قرار دهد و در صورتی که اموال غایب یا مستنکف در اختیار نباشد، همسر وی یا فرد دیگری با اجازه دادگاه می‌تواند نفقه را به عنوان قرض بردارد و از شخص غایب یا مستنکف مطالبه نماید، غیر از موارد مندرج در ماده ۱۲۰۵ قانون مدنی، نفقه گذشته اقارب قابل مطالبه نیست. نظر سوم: با ارزیابی از نفس تعهد ایجاد شده در پرداخت نفقه از سوی پدر، چنانچه در تعهد با وجود قیود از جمله مقدار و میزان نفقه نحوه پرداخت و تأدیه آن می‌توان این استنباط را داشت که نفس این تعهد با وضع قانونگذار یا شارع (این که اقارب فقط نسبت به آتیه می‌توانند مطالبه نفقه نمایند) مغایرتی ندارد. مادر یا کسانی که هزینه حضانت یا نفقه برعهده آنها است؛ می‌توانند مطالبه نمایند. در غیر این صورت تعهد منشأ حقی برای محکومیت پدر نمی‌باشد.

نظر هیأت عالی

گرچه طبق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، مادام که مهر زوجه تسلیم نشده، در صورت حال بودن مهر، زن می‌تواند از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد، امتناع کند و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود، ... از نقطه نظر جزایی به لحاظ مدلول

ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ که به موجب آن حکم به مجازات شوهر به علت امتناع از تأدیه نفقه زن به تمکین ولو به اعتذار استفاده از اختیار حاصله از مقررات ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی حکم به مجازات شوهر نخواهد شد... بنابراین، در مورد سؤال، زوجه استحقاق نفقه ایام مذکور را دارد؛ ولیکن شوهر به لحاظ نپرداختن نفقه قابل تعقیب کیفری نخواهد بود.^۱

۲-۶- اقدامات احتیاطی در دعوی مطالبه نفقه

در جریان دادرسی به منظور ایجاد فرآیند و سیکل چرخشی برای نظارت مستمر قاضی نسبت به پرونده‌های ارجاعی به شعبه و رسیدگی و اتخاذ تصمیم مناسب و خارج نشدن برخی پرونده‌ها از سیکل رسیدگی، اوقات چهارگانه‌ای وجود دارد که می‌توان با در نظر گرفتن کارکرد هریک از اوقات، دستور و تصمیم قضایی را موکول به آن گونه وقت نمود.

در محاکم حقوقی چهار گونه وقت وجود دارد که عبارتند از ۱. وقت رسیدگی عادی ۲. وقت رسیدگی فوق العاده ۳. وقت رسیدگی خارج از نوبت ۴. وقت نظارت یا احتیاطی؛ که به منظور تبیین مفهوم اوقات مزبور، تعریفی برای هر یک از آنها ارائه می‌گردد.

وقت عادی: وقتی است که با هدف رعایت عدالت به ترتیب دفتر اوقات دادگاه، روز و ساعت معینی را از قبل تعیین و به اصحاب دعوی یا وکلای آنها ابلاغ می‌کند.

وقت خارج از نوبت: وقتی است که از لحاظ زمانی مناسب‌تر از اوقات عادی است و بدون توجه به نوبت دادگاه تعیین می‌شود و نزدیک‌تر از وقت عادی است.

۱. نشست قضایی بوشهر، مورخ ۸۲/۰۱/۲۷

وقت فوق العاده: وقتی است که دادگاه خارج از اوقاتی در دفتر دادگاه که به صورت عادی یا خارج از نوبت تعیین و بدون حضور طرفین نسبت به پرونده رسیدگی و اقدام به صدور رأی می نماید.

وقت احتیاطی یا نظارت: اصطلاحاتی هستند که در قانون پیش بینی نشده اند؛ اما ضروریات عملی محاکم، وجود آن را ایجاب می کند و علت پیدایش آن به سبب خارج نشدن پرونده از جریان رسیدگی است؛ زیرا اگر پرونده بدون دستور تعیین وقت باشد، ممکن است از دور رسیدگی خارج شود و این درحالی است که پرونده ای که مقید به وقت باشد، در موعد تعیین شده به نظر قاضی می رسد بنابراین وقت احتیاطی مربوط به زمانی است که طرفین دعوت نمی شوند و فقط تذکری برای قاضی است که پرونده را بازبینی نماید.

همان طور که اشاره شد، گاهی برای کشف حقیقت، دستوراتی از ناحیه دادگاه صادر می گردد؛ به عبارت دیگر زمانی که پرونده معد صدور رأی نباشد و نیاز به کسب ادله جدید باشد، دادگاه ضمن تعیین وقت نظارت (احتیاطی)، اقدامات احتیاطی یا دستورات قضایی صادر می کند؛ از جمله قرار ارجاع امر به کارشناسی، قرار تحقیق محلی، قرار معاینه محل و استعلام از مراجع ذی صلاح و دستور به مرجع انتظامی. یکی از اساسی ترین اقدامات احتیاطی در پرونده های مطالبه نفقه (اعم از زوجه و اقارب) قرار ارجاع امر به کارشناس است. بدیهی است در مواردی که کشف حقیقت نیازمند بررسی تخصصی موضوعی باشد، قاضی محکمه با صدور قرار ارجاع امر به کارشناس و تعیین مواردی که اظهار نظر درباره آنان به احراز واقع می انجامد، متقاضی یا خواهان را مکلف به پرداخت حق کارشناسی می کند. درما نحن فیه (دعوی نفقه) ارجاع امر به کارشناس به منظور تعیین میزان نفقه با لحاظ اوضاع و احوال طرفین صورت می گیرد. به سخن دیگر کارشناس منتخب با بررسی وضعیت زندگی زوجین و شأن زوجه و مواردی که توسط زوج برای وی تأمین شده و مواردی که درخصوص آنها ازسوی زوج اقدامی نشده، در نظر می گیرد و مبلغی

را برای میزان نفقه (معوقه یا حال) به قاضی شعبه پیشنهاد می‌دهد و یا در دعوی مطالبه نفقه اقارب، کارشناس نفقه با در نظر گرفتن اوضاع مالی منفق و نیز خواهان نفقه، مبلغی را برای نفقه اعلام می‌نماید.

پس از صدور دستور ارجاع امر به کارشناس یا ضمن آن وقت نظارت تعیین می‌گردد تا اقدامات ضروری از جمله پرداخت هزینه کارشناسی، اعلام موارد رد کارشناسی، درخواست استمهال توسط کارشناس یا درخواست تعرفه به سایر ارگان‌ها و وصول نظریه کارشناسی و سپس ابلاغ آن به طرفین و اعتراض هردو یا یکی از آنها و در صورت نیاز ارجاع امر به هیئت کارشناسی و غیره تا منجر به خارج ماندن پرونده از فرایند دادرسی شعبه مربوطه نگردد.

بدیهی است با سررسید وقت، چنانچه پرونده منتهی به نتیجه نهایی و مورد نظر دادگاه (وصول نظریه کارشناسی) نشده باشد، وقت نظارت تجدید می‌گردد و در صورت نتیجه گیری و عدم ضرورت انجام اقدام احتیاطی دیگر، به نحوی که پرونده معد اتخاذ تصمیم باشد، بنابر موضوع، دستور مقتضی صادر می‌گردد.

عنوان: شیوه تعیین میزان نفقه

شماره دادنامه قطعی: ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰۰۵۶۵

تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۳/۰۵/۲۱

چنانچه زوجین در میزان نفقه با همدیگر توافق نکنند دادگاه باید موضوع را به کارشناسی ارجاع دهد و نمی‌تواند رأساً میزان نفقه را تعیین کند.
رئیس شعبه ۸ دیوان عالی کشور - مستشار - عضو معاون عباسیان - ناصح - کریم‌پور نطنزی

عنوان: تعیین نفقه توسط دادگاه بدون کارشناسی

در صورت تعیین مبلغ متعارف و مناسب با موقعیت اجتماعی زوجه ضرورتی به اخذ نظریه کارشناسی در این زمینه نیست و دادگاه می تواند رأساً اقدام به تعیین مبلغ نماید.

شماره دادنامه قطعی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۲۰۸۷۷

تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۳/۰۵/۲۲

رئیس شعبه ۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه ارزشنگی - موسوی

عنوان: لزوم محاسبه نفقه به وجه رایج کشور حتی در مورد زوجین ساکن خارج

از کشور

مستندات: ماده ۱۱۰۶ . ۱۱۰۷ قانون مدنی

شماره دادنامه قطعی: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰۱۸۳۳

تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۱/۱۲/۰۹

تعیین نفقه باید به وجه رایج کشوری در ایران محاسبه شود و احتساب آن به دلار بر فرض اینکه زوجه یا وکیل او بر مبنای دلار آمریکا مطالبه نموده باشند و اعم از اینکه در ایران یا خارج از کشور ساکن بوده اند، فاقد توجیه قانونی است.

رئیس شعبه ۸ دیوان عالی کشور - مستشار - عضو معاون عباسیان - ناصح - کریم پور نطنزی

عنوان: معیار دادگاه در تعیین میزای نفقه

مستندات: مواد ۱۱۰۶ - ۱۱۰۷ - ۱۱۱۱ قانون مدنی

شماره دادنامه قطعی: ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۲۰۲۲۹۳

تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۱/۱۲/۰۶

ملاک در دعاوی مطالبه نفقه، استحقاق زوجه برای دریافت نفقه و استطاعت زوج برای پرداخت آن است.

رئیس شعبه ۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشاران دادگاه حسینی اراکی - ارزشنگی - مؤتمن

فصل ششم:

نمونه آرای قضایی در باب نفقه

رأی دادگاه

در خصوص دعوی خواهان..... فرزند..... اصالتاً از جانب خویش و
 ایضاً مطابق ماده ۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ از جانب فرزندان مشترک به
 اسامی..... به طرفیت خوانده..... فرزند..... با وکالت آقای
 دائر به خواسته ۱- مطالبه نفقه معوقه به مدت یک سال مرقوم به
 ۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ۲- الزام به انفاق (به صورت ماهانه) طبق نظر کارشناس فعلاً
 مرقوم به مبلغ ۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شرح ستون خواسته و متن دادخواست تقدیمی،
 شورا با عنایت به جامع محتویات پرونده و با این استدلال که "اولاً: توجهاً به
 مندرجات دادخواست تقدیمی، خواسته ردیف دوم خواهان الزام خوانده به انفاق
 به صورت ماهانه اعلام شده که محدود به مدت زمان معینی نشده است. ثانیاً: مستنداً
 به بند ۳ ذیل ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی،
 در صورتی که حق مطالبه شده (در مانحن فیه نفقه آتیه) محدود به زمان معینی نباشد
 (نامحدود)، بهای خواسته برابر با مبلغی خواهد بود که خواهان ظرف ده سال باید
 استیفای نماید. ثالثاً: توجهاً به مبالغ ماهانه نفقه مذکور در نظریه کارشناسی که مصون از
 اعتراض مؤثر و مستدل خوانده باقی مانده و مالاً متبع می‌باشد و لحاظ ده سال منصوص
 در ماده ۶۱، بهای خواسته در پرونده مطروحه بیش از مبلغ ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است.
 رابعاً: مستفاد از بند «ج» ماده ۹ قانون شوراها حل اختلاف مصوب ۹۴ با لحاظ بند
 «الف» همان ماده، اثر الحاقی دیگر بهای خواسته، تعیین مرجع صالح جهت رسیدگی
 به پرونده است که به آثار سابق مندرج در مقررات صدر ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی
 دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی یعنی محاسبه و پرداخت هزینه دادرسی
 براساس بهای خواسته و ایضاً قابلیت تجدید نظرخواهی، اضافه شده است. خامساً:
 نهایتاً، در مانحن فیه بهای خواسته بیش از سقف تعیین شده برای رسیدگی به دعاوی
 مالی در شورای حل اختلاف (یعنی دویست میلیون ریال) بوده و نتیجتاً این شورا فاقد
 صلاحیت جهت ادامه رسیدگی و اصدار رأی در خصوص خواسته ردیف دوم پرونده
 مطروحه است. سادساً: مضافاً وفق ماده ۲۱ قانون موصوف، در مواردی که دعوی
 طاری یا مرتبط با دعوی اصلی از صلاحیت ذاتی شورا خارج باشد، رسیدگی به هر دو
 دعوی در مرجع قضایی صالح به عمل می‌آید؛ فلذا رسیدگی به خواسته ردیف اول

پرونده یعنی مطالبه نفقه معوقه هم به تبع دعوی الزام به انفاق خارج از صلاحیت این شورا می‌باشد؛ بناءً علی هذا این شورا ضمن نفی صلاحیت از خود، قرار عدم صلاحیت خود را به شایستگی و صلاحیت - دادگستری شهرستان بهار (محکمه حقوقی) صادر و اعلام می‌نماید، قرار صادره قطعی است.

مع الوصف دبیرخانه از پرونده، بدل مفید تهیه و اصل آن به مرجع صالح ارسال گردد.

حمزه داودی، قاضی مشاور شورای حل اختلاف شهرستان بهار